

تذهیب قرآن در آناتولی

مهدی صحراگرد*

چکیده

چند قرآن از مجموعه آستان قدس رضوی در فاصله سده ششم تا اواخر سده هشتم هجری در آناتولی تولید شده که ویژگی‌های تذهیب و خط آنها گواه وجود سبکی مخصوص در این منطقه است. بررسی آثار یادشده نشان می‌دهد این سبک در تذهیب و کتابت ایران سده ششم، خاصه ماوراءالنهر، ریشه دارد که سابقه‌اش به قرآن وقفی زمردملک (م ۴۵۲۷)، در کتابخانه آستان قدس رضوی می‌رسد. این امر توجه ما را به ریشه‌های سبک آناتولی در ایران جلب می‌کند و گواه این واقعیت است که به طریقی نامعلوم شیوه آثاری چون قرآن وقفی زمردملک، الگوی کاتبان و مذهب‌بان آناتولی در سده هفتم و هشتم هجری قرار گرفته است. این سبک تا اواسط سده هشتم دوام آورد اما به عللی نامشخص در نیمه دوم این سده قرآن‌های آناتولی با سبکی التقاطی و گاه الگوبرداری ناقص از آثار عصر ایلخانی ایران و شمال آفریقا جایگزین شد.

کلیدواژه: قرآن نگاری، نسخه‌های خطی، آناتولی، تذهیب، زمردملک، آستان قدس رضوی

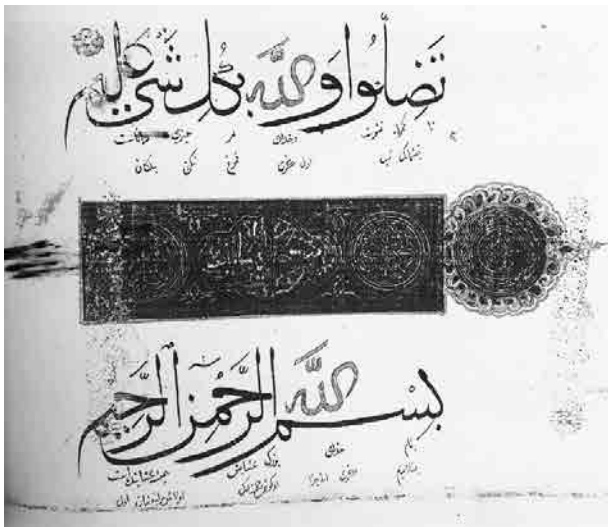


* گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

msahragard@mshdiau.ac.ir

مقدمه

آناتولی که در منابع قدیم ممالک روم نام داشت، قسمت شرقی یا آسیایی ترکیه امروزی است که از اواخر سده پنجم هجری، با عقب‌نشینی امپراتوری بیزانس، تحت تسلط سلجوقیان مسلمان درآمد و زمینه را برای مهاجرت ترکان به این منطقه و در نتیجه شکل‌گیری سلسله عثمانیان در اوایل سده هشتم هجری مهیا کرد. این منطقه در عصر سلجوقیان به‌طورعموم تحت تأثیر هنر و فرهنگ ایران بود و کم‌کم در سده هشتم ویژگی‌های منطقه‌ای‌اش نمود یافت. در فاصله سده ششم تا اواخر سده هشتم هجری تعدادی نسخه قرآن در این منطقه تولید شد که ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد و از شکل‌گیری و تکامل سبکی مخصوص در کتابت و تذهیب قرآن خبر می‌دهد. دست کم سه نمونه از این آثار در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. بررسی همین سه اثر نکات بسیاری از سنن هنری این منطقه را برملا می‌کند، همچنین با مقایسه آنها با آثار ایرانی می‌توان ریشه‌های شکل‌گیری این سبک را شناسایی کرد. این نوشتار به معرفی و واریسی آثار یادشده اختصاص دارد.



تصویر ۱. صفحه‌ای از یک قرآن آناتولی به خط محمدبن‌شیخ‌یوسف‌الاباری، ۷۳۳ق، کتابخانه چستربیتی، Ms. 1606

خصوصیات تذهیب آناتولی

قرآن شماره ۲۹۳ محفوظ در گنجینه قرآن آستان قدس رضوی، نمونه‌ای شاخص از قرآن‌های آناتولی است که در شعبان سال ۷۳۷ق به دست محمدبن‌شیخ‌یوسف‌الاباری کتابت شد. اطلاعاتی از حیات این هنرمند در دست نیست اما می‌دانیم او کاتب قرآنی دیگر در همین سال، ۷۳۷ق، محفوظ در کتابخانه چستربیتی Ms. 1606 است که آن نیز از آثار برجسته آناتولی به‌شمار می‌رود. تولید دو اثر نفیس در یک سال به دست یک خطاط حاکی از حمایت‌های درباری از قرآن‌نگاری در نیمه نخست سده هشتم در این منطقه است. خصوصیات بارز قرآن‌های آناتولی که آثار این منطقه را از قرآن‌های ایرانی متمایز می‌کند بیشتر در طرز کتابت قلم محقق آن نمود یافته است. خط این نسخه‌ها به سبب افراط در کشیدگی حرکات افقی قلم همچون «ن» و دنباله «و»، «ر»، و «م» با محقق ایرانی متفاوت است و با شکل خاص کتابت «ک» (مانند «بکل» در تصویر ۱) کاملاً تشخیص یافته است. افزون بر این، نسخه آستان قدس ترجمه ترکی دارد. نسخه چستربیتی نیز علاوه بر ترجمه ترکی، ترجمه فارسی دارد که هر دو در دو سطر به قلم نسخ خفی در لابه‌لای سطور، کتابت شده است. به گفته جیمز ریشه‌های زبانی ترجمه ترکی قرآن چستربیتی به لهجه ترکان قراخانی می‌رسد (James, 63:1980).

قرآن آستان قدس ناقص است و صرفاً جزو بیست‌وسه تا سی را در برمی‌گیرد. از این رو احتمال دارد نسخه را در سه جلد تدوین کرده باشند. این نوع تقسیم‌بندی در ایران رایج نبوده است.^۲ این نسخه ۳۵۶ برگ دارد و با مرکب سیاه در صفحات هفت‌سطری با



تصویر ۲. قرآن ش ۲۹۳، آستان قدس رضوی، کاتب محمدبن‌شیخ‌یوسف‌الاباری، ۷۳۷ق، این اثر نمونه‌ای از سبک متعارف آناتولی است.

دیده می‌شود؛ بارزترین ویژگی آن استفاده گسترده از رنگ سبز زنگاری است که تباین رنگی کمی با زر دارد از این رو تذهیب این قرآن‌ها درخشندگی و شکوه قرآن‌های ایرانی را ندارد. علاوه بر این در مقایسه با قرآن‌های ظریف و پرکار سده هشتم ایران مانند قرآن الجایتو به خط احمد سهرودی (۷۰۱-۷۰۷ق) در موزه هنر ترکی و اسلامی استانبول (ش ۵۳۸) و قرآن‌های یحیی صوفی جمالی،^۲ تولیدشده در شیراز (پارس ۴۱۷)، نقوش درشت و ضخیم، و قلم‌گیری‌ها با کم‌دقتی اجرا شده است.

جهت یافتن ریشه‌های این سبک باید به آثار متقدم نظری انداخت. در قرآن ش ۴۵۰۹ (کتابخانه آستان قدس رضوی) ویژگی‌های یادشده به صورت ابتدایی‌تر وجود دارد. این نسخه جزء ۲۱ از قرآنی سی‌پاره به اندازه ۱۸ × ۱۵/۵ س.م در ۶۵ برگ است.^۳ صفحات آغازین مربوط به بخشی از آیه ۴۴ سوره عنکبوت، دو سرلوح مذهب با دو کتیبه در صدر و ذیل دارد که بالا و پایین دو سطر متن را دربر گرفته است. در ترنج میانی کتیبه مذهب بالای صفحه، نام جلاله «الله» را به قلم کوفی زرین محرر کتابت کرده‌اند. اطراف این ترنج نیز پوشیده از گل‌های درشت قلم‌گیری شده بر زمینه سرنجی کم‌رنگ است. در کتیبه پایین صفحات نیز ردیفی از گل‌های درشت زرین بر زمینه سرنجی نقش

ترجمه ترکی به قلم نسخ مایل به ثلث به صورت موّزب و بدون نظمی خاص در زیر هر واژه کتابت شده است. شأن نزول سور پیش از سرسوره‌ها و تفاسیر در پایان هر سوره ذکر شده است. طبق سنتی قدیمی که ریشه‌اش در ایران قابل‌ردیابی است، مانند قرآن وقفی ابوالبرکات رازی در سال ۴۲۱ق (ش ۳۳۲۴ آستان قدس رضوی)، نام جلاله «الله» در تمام متن به قلم زرین محرر کتابت شده است. این ویژگی در قرآن چستریتی (تصویر ۱) نیز وجود دارد.

تذهیب این نسخه به‌مانند خطش، ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد که از ویژگی‌های مهم سبک آناتولی به‌شمار می‌رود. نشان خمس در حاشیه صفحات به شکل سرترنجی با زمینه گرد زرین و گلبرگ‌های گرد و نقطه‌های درشت سبزرنگ نقش بسته است. نشان ختم آیات، گل‌های هشت‌پر زرین با لکه‌های سبزرنگ است که بالای آخرین واژه هر آیه قرار دارد. شمسه نشان عشر زمینه زرین با نوشته‌ای مبهم (شاید واژه «عشر») در مرکز و نقشی واگیره‌ای در تسمه دور است که اطرافش شرفه‌هایی سبز و ظریف دارد، زمینه نقوش نیز با لکه‌های سبزرنگ تزیین شده است. اگرچه نقوش و به‌طور کلی سنت تذهیب این نسخه به سنن رایج در ایران شبیه است، تفاوت‌هایی عمده نیز در آن



تصویر ۴. قرآن شماره ۴۵۲۷ (کتابخانه آستان قدس رضوی)، کاتب و واقف زمردملک بنت محمودبغراخان، یکی از نخستین نمونه‌هایی که الگوی قرآن‌نگاران آناتولی محسوب می‌شود.



تصویر ۳. قرآن ش ۴۵۰۹، کتابخانه آستان قدس رضوی، بدون رقم و تاریخ، نمونه‌ای از تذهیب و کتابت سبک آناتولی در سده ششم یا اوایل سده هفتم هجری.

ارتباط آن با قرآن‌های آناتولی است و همانند آثار یادشده بارزترین ویژگی تذهیب این قرآن درشتی و عدم ظرافت نقوش و استفاده گسترده از رنگ سبز در زمینه و نقوش است. به این خصوصیات، یکسان بودن نوع نقوش خاصه برگ‌های درشت و قلم‌گیری‌های ضخیم را نیز می‌توان افزود. البته در قرآن زمردملک از رنگ شنجرفی جهت رنگ‌آمیزی زمینه برخی سوره‌ها استفاده شده که ارتباطش با تذهیب خراسان را تا حدی نشان می‌دهد. از این رو گراف نیست اگر سنن به کاررفته در تذهیب قرآن زمردملک را آغاز شکل‌گیری سبک آناتولی به شمار آورد. در صورت پذیرش چنین فرضیه‌ای، می‌توان آغاز شکل‌گیری این سبک را به نیمه‌های سده ششم هجری، زمان حدودی تدوین قرآن زمردملک، منسوب کرد. اما سرانجام تذهیب آناتولی نامشخص است. متأخرترین اثر این سبک، جزء هشتم از قرآنی به خط مرتضی‌بن محمد بن احمد حسینی سمنانی در مجموعه آستان قدس رضوی (ش ۴۱۱) است. این اثر که به سال ۷۷۸ ق تهیه شده ویژگی‌های تکامل یافته سبک آناتولی با ترکیبی از سبک‌های ایرانی را به نمایش گذاشته است، به طوری که می‌توان آن را نمونه‌ای از دوره دگرگونی سبک خالص آناتولی به سبک دوره عثمانیان دانست.

این قرآن که احتمالاً از طرف کاتب بر حرم امام‌رضا (ع) وقف شده، با ۵۰ برگ در ۲۸×۳۷ س.م و صفحات پنج سطری کتابت شده و تذهیب و آرایه‌های بسیار متأثر از قرآن‌های عصر ایلخانی است، با این حال صفاتی تغییر یافته از سبک آناتولی را نیز به نمایش می‌گذارد.

صفحات افتتاح این نسخه که به جزء هشتم مربوط است سرلوحی مذهب، حاوی کتیبه‌هایی در صدر و ذیل صفحات جهت درج شماره جزء و سه سطر در میانه صفحه مربوط به آیه ۱۱۱ سوره انعام به قلم محقق دارد. سه نقش پیاپی شکل در حواشی هر دو صفحه، به صورت افقی با قلم‌گیری و شرفه‌های لاجوردی، نقش بسته است. دو کتیبه در بالا و پایین صفحات نقش بسته که در هر یک به ترتیب نوشته‌اند: «الجزو»، «الثامن»، «من الاجزاء»، «الثلثین». این کتیبه‌ها درون ترنج بازوبندی با زمینه شنجرف قرار گرفته‌اند و بیرون‌شان زمینه لاجوردی با گل‌های فیروزه‌ای و سرنجی دارد. دور کتیبه‌ها و متن، جدول‌کشی پهن زرین و سبز زنگاری نقش بسته که رنگ اصلی تذهیب آناتولی است، بالا و پایین کتیبه‌ها نیز ردیفی از گل‌های مکرر زرین و سفید با شرفه‌های لاجوردی کوتاه به چشم می‌خورد که از مقدمات شکل‌گیری کمند در تذهیب قرآن‌های ایرانی به‌شمار می‌رود.

این دو صفحه تزیینات بین‌السطور ابری دارد. درون ابرها را نقوشی شبیه به ختایی اما با طراحی درشت و بدون نظم پوشانده است. این نقوش به رنگ لاجوردی، فیروزه‌ای و نقطه‌هایی سرنجی است. به‌طور کلی، همان‌طور که مشخص است نظام

بسته و دورتادور آنها را جدول دوتحریر زر و یک جدول درشت لاجورد دربر گرفته است. در حاشیه صفحات دو ابرک با ساقه بلند در مقابل کتیبه‌ها در حاشیه نقش بسته و دو شمسۀ تزیینی در میان‌شان قرار دارد. این شمسه‌ها زمینه زرین و نقش گره و شرفه‌های کوتاه سیاه دارد. زمینه متن با تزیینات بین‌السطور هاشوری سبزرنگ درشت و کم‌دقت، پر شده است. صفحات میانی فاقد جدول‌کشی و کتیبه سوره است. متن سوره‌ها با قلم ثلث زرین محرر بدون دقت و ظرافت کتابت شده و در مقابل‌شان ابرکی به شکل سرترنج با شرفه‌ای لاجوردی و ضخیم نقش بسته است.

نشان ختم آیات، گل شش‌پر زرین با قلم‌گیری سیاه و نقطه‌های تزیینی شنجرفی است که بالای آخرین واژه هر آیه نقش بسته است. نشان عشر، شمسه‌ای گرد مشابه شمسۀ تزیینی صفحات افتتاح است که درونش به قلم زرین محرر واژه «عشر» را کتابت کرده و دورش را تسمه‌ای به قلم لاجورد انداخته‌اند. ویژگی مهم تذهیب این نسخه استفاده از سبز زنگاری سیر همراه با رنگ‌هایی با تباین کم است. این امر به همراه کم‌دقتی در اجرای نقوش سبب شده است تذهیب نسخه فاقد جلال و شکوه و درخشندگی تذهیب نسخه‌های ایرانی باشد. مثلاً رنگ فیروزه‌ای به کاررفته در این نسخه به خاکستری تمایل دارد و حتی زر آن نیز به قدر کافی درخشان به نظر نمی‌رسد. علت عدم درخشندگی رنگ در این آثار مشخص نیست، ممکن است در نتیجه استفاده از مواد اولیه نامرغوب یا عدم توانایی مذهبیان در رنگ‌سازی باشد.

شبهات برخی خصوصیات این قرآن با قرآن شماره ۴۵۲۷ (کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی)، خصوصاً کیفیت خط، نقوش درشت و گزینه رنگی، از ارتباط کاتبان و مذهبیان این آثار به یک منطقه یا یک سلسله از قرآن‌نگاران سده ششم هجری پرده برمی‌دارد. (تصویر ۴) در قرآن سی‌پاره یادشده که زمردملک، دختر سلطان محمود بغراخان، از حاکمان آل افراسیاب، در اواسط سده ششم هجری کتابت و بر حرم امام‌رضا (ع) وقف کرده، ویژگی قرآن‌های آناتولی را با کمی دقت می‌توان از اصول قرآن‌نگاری ایرانی تفکیک کرد. در نسخه اخیر کاتب در اجرای صحیح حرکت‌های افقی قلم به‌خصوص در اجرای اندازه دواپر، مثل «ن» و «ی»، تسلط و دقت کافی اعمال کرده است. با این حال ساختار و هندسه ابتدایی خط قرآن‌های ۴۵۰۹ و ۲۹۳ را در خط زمردملک می‌توان تشخیص داد. مثلاً همان نسبتی که میان اندازه عرض قلم و کشیدگی حروف در قرآن یوسف‌الاباری وجود دارد، در این نسخه هم هست با این تفاوت که در اینجا شکل حروف هنوز پیرو اصول محقق ایرانی است.

با این حال ویژگی‌های تذهیب قرآن زمردملک به‌روشنی گواه



تصویر ۵. قرآن شماره ۴۱۱ (موزه قرآن آستان قدس رضوی)، به خط مرتضی بن محمد بن احمد حسینی سمنانی، ۷۷۸ ق.

شده که احتمال حضور مذهب‌ان مناطق دیگر در آناتولی را پیش می‌کشد. با این حال این اثر را به دلایل سبک‌شناسی خطی و همچنین پیشرفت چشمگیر در اجرای نقوش، می‌توان به دهه آخر سده هشتم و اوایل سده نهم هجری منسوب کرد.

خاتمه

به استناد قرآن‌های محفوظ در آستان قدس رضوی و مجموعه‌های دیگر، می‌توان دریافت تذهیب آناتولی در سده ششم تا هشتم هجری شکل گرفت. شباهت آثار متقدم این منطقه به آثار ایرانی، به خصوص قرآن زمرملک، دختر بغراخان قراخانی و گستره جغرافیایی تسلط سیاسی این خاندان، ریشه ماوراءالنهری این سبک را نشان می‌دهد. نفوذ فرهنگ ماوراءالنهر در شکل‌گیری سنن قرآن‌نگاری و کتاب‌آرایی آناتولی را حتی از لهجه ترجمه قرآن‌های مترجم این مجموعه مانند قرآن یوسف‌الباری مجموعه چستریتی، می‌توان دریافت. با این حال نکات بسیاری از این جریان مبهم است:

طراحی صفحه و حتی اکثر رنگ‌های به‌کاررفته در این دو صفحه مطابق سنن تذهیب ایران است، اما درشتی و بی‌هویتی نقوش و ضخامت زیاد قلم‌گیری، (در مقایسه با تذهیب ایران) به شیوه آناتولی است. اختلاط این دو شیوه تذهیب حاصل الگوبرداری ناقص از قرآن‌های ایرانی است، از این رو نمی‌توان فرضیه حضور مذهب‌ان ایرانی در آناتولی را در اواخر سده هشتم مطرح کرد. البته شواهد نشان می‌دهد در اواخر سده هشتم هجری در آناتولی صرفاً شیوه مذهب‌ان ایرانی تقلید نمی‌شده است؛ برای نمونه در بخشی از یک قرآن در مجموعه خلیلی، ش ۵۷۸، (جیمز، ۱۳۸۰: ۲۰۸) اگرچه خط و خصوصیات کلی نسخه کاملاً مطابق با سبک آناتولی است، تذهیب آن با نقوش اسلیمی‌مانند شمال آفریقا و استفاده از خط کوفی اولیه در حاشیه صفحه به رنگ شنجرف و به خصوص دو نقش یکسان هندسی سبز، زرین و شنجرفی در دو گوشه بالا و پایین صفحه و ترجمه فارسی در میان سطور کاملاً متفاوت از آثار پیشین است. در این اثر، برخلاف قرآن مرتضی حسینی سمنانی، حتی اجرای نقوش با دقت و ظرافت زیادی اجرا



تصویر ۶. صفحه‌ای از قرآن شماره ۵۸۷، مجموعه خلیلی، نمونه‌ای دیگر از قرآن‌های اواخر سده هشتم آناتولی

پانوشت

۱. نک: حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۴۵
۲. همه قرآن‌های ایرانی تقسیم‌بندی هفت، چهارده، ده و سی پاره داشته‌اند. تقسیم‌بندی چهارجلدی نیز کم و بیش مرسوم بوده است.
۳. برای اطلاعات بیشتر نک: صحراگرد، ۱۳۸۷: ۱۳۷
۴. برای اطلاعات بیشتر نک: صحراگرد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۲۳

کتاب‌نامه

- جیمز، دیوید (۱۳۸۰). *کارهای استادانه*، ترجمه پیام بهتاش، تهران: کارنگ.
- حمدالله مستوفی (۱۳۸۱). *نزهة القلوب*، تصحیح محمددبیر سیاقی، تهران: ساقی.
- صحراگرد، مهدی (۱۳۸۷). *مصحف روشن*، تهران: فرهنگستان هنر.
- صحراگرد، مهدی، و دیگران (۱۳۹۱). *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: قرآن‌های نفیس از آغاز تا سده نهم هجری قمری*، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس.
- James, David (۱۹۸۰). *Qurans and bindings from the Chester beatty Library*, London, Al Tajir World of Islam Trust

با توجه به فاصله جغرافیایی، چگونه سنن تذهیب از ماوراءالنهر به آناتولی منتقل شده است؟ چرا سنت‌های تذهیب میان‌رودان، خاصه بغداد، آذربایجان و عراق عجم، که در سده ششم هجری در اوج شکوفایی بود بر تذهیب این منطقه تأثیر نگذاشت؟ به چه علت تذهیب آناتولی در سده هشتم با رکود ناگهانی مواجه شد و مذهب آن این منطقه به الگوبرداری ناقص از تذهیب ایرانی و مغربی روی آوردند؟ اگر تحولات سیاسی این منطقه در سده هشتم، مانند قدرت گرفتن عثمانی‌ها و جنگ آنقره و تسلط تیمور بر بخشی از آناتولی، بر این تحولات مؤثر بوده، این تغییر در چه ساز و کاری روی داده است؟